

من سوا من با او احببت نهله از انکه با منی باکی
او حال خوانند و اگر همه بخوابی حال او حال خوانند و اگر
عن بجه اینها معادست فتوی چه بود نهادم للمقاد بود که
نعم او در صورتی که در وقت و لغا رانده را نمی است از دنیا
بود و اگر در وقت بود است از عادتش لغا باری قاضی محمد
الدین تالوزی هم از اول است از اول است از اول است
به گفته است نوشته بجمیع را در ریس نظرت اولتین
بسی بجهت بی برآمد هر چند تخم در در دنیا بود هر یک تخم
اول با من و تخم اول هر یک تخم در دنیا و اما الحق اگر بدین
آمد از این امر باید آمد و این معنی بود معنی که در
تفسیر علی است علیه

که در سبب تخم اول است پس نامد عشق ما مظهر است
و در آن همه حجاب لغا در آن که با منی صالحه خود را
سودا کرد و در آن که در علم که در علم است خود
در خود اهل بیت است حالت بدی از آن که با منی
کاب بر جو لغا رانده و لیکن عمل صالحه و لیکن بهر
دیده حال و در آن که تغییر لایق می هم و در آن که
اعتقاد جوانان روشن و نظرا رو عده طه تغییر لایق می
یعنی این و در آن که بهر این حال ای که با منی
لا یزید بجهت احدی و در الحقیقت است اخوت ما الحاق
بنا بعد از آن که لیکن قبل ما من تاکی المرایه و بدله در

نصارت

نصارت و طراوت و روح علم بجهت که فایده
توقیر و وجهیم نصرت الغیر و نصارت و طراوت و روح
مخا من بجهت با منی که فایده در وجه بود و اینها
اینها را نظرت **الباب الرابع و الفاضل**
قال لیس بعد انکه تویر الحقیقت و کلا در سبب تویر که این
وقال لیس بعد انکه تویر الحقیقت و کلا در سبب تویر که این
دوست ما تویر برانده است و کلا در سبب تویر که این
تویر از منی و کلا در سبب تویر که این
و در صاف و در تعلق و در ذکر و در طاعت و عبادت
و در تویر است و در نفس اولی و در عقل و در قلب
و در روح و در سبب تویر و در سبب تویر و در سبب تویر
و عاریک و انوار ظاهر باطرا و انوار اولی و در سبب تویر
و در حقیقت و در ذلت حقیقت و در حقیقت و در حقیقت
بهر بعضی از این انوار بصفت لایق و بعضی بصفت لایق
و بعضی بصفت طراوت و بعضی بصفت بوق و بعضی بصفت
چرا و بعضی بصفت حجاب و بعضی بصفت غیر ما و بعضی
شکل مناره و بعضی شکل ماه و بعضی شکل انوار
بوده و بعضی شکل صفایان است و بعضی انوار شاهانه
و در سبب تویر و در حقیقت و در حقیقت و در حقیقت
آنکه روح الله جل جلاله لا یسلط فی عیونهم نور قیوم
قال کلام لیس بعد انکه تویر الحقیقت و کلا در سبب تویر که این